

Analyzing the formation and collective action of the community of devotees of Islam against the second Pahlavi regime Based on Sprignes-Tilly integrated model

Mohamad Reza Hatami^{*}, Alireza Beigi^{}**

Masoud Naddafan^{*}**

Abstract

Contemporary developments in Iran began with the entry of foreign forces into the country in the 20s and the rise to power of Mohammad Reza Pahlavi. These developments, which were often anti-Islamic in nature, led to the formation of a group of Islamists under the leadership of Nawab Safavi. There are many differences of opinion regarding the formation and collective action of the community of devotees of Islam; Therefore, the present study tries to explain the said problem with the analytical descriptive method and by applying the Sprignes-Tilly analytical model in the theoretical framework and citing library sources. The main question of the research is "what factors caused the formation of the community of devotees of Islam." The hypothesis of the research is that based on Sprignes-Tilly analytical model, Nawab Safavi decided to form a group with the aim of physically removing anti-religious people and promoters of distortion in Islam and mercenaries of the Pahlavi regime due to the feeling of danger towards Islam and the independence of the country. Islamic government was formed.

Keywords: Iran' s Islamic Revolution Spriggans Tilly Pahlavi Fadayan Islam Nawab Safavi.

^{*} Professor of Political Department, Payam Noor University (Corresponding Author), m.hatami@pnu.ac.ir

^{**} Ph.D. Candidate of Political Science, Imam Sadiq University, a.r.beygi20@gmail.com

^{***} Ph.D. Candidate of Political Science, Islamic Azad University, Science and Research Department,
M.naddaffan@gmail.com

Date received: 16/04/2023, Date of acceptance: 11/07/2023





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واکاوی شکل‌گیری و کنش جمعی جمعیت فدائیان اسلام

علیه رژیم پهلوی دوم؛

براساس مدل تلفیقی اسپریگنز-تیلی

محمدرضا حاتمی*

علیرضا بیگی**، مسعود ندافان***

چکیده

جمعیت فدائیان اسلام به رهبری نواب صفوی، اصلی‌ترین تشکل اسلامی مخالف سلطنت پهلوی دوم با مشی مبارزه سیاسی- مسلحانه بود. در این پژوهش درصدد پاسخ به این سوال هستیم که از منظر چارچوب تحلیلی اسپریگنز و تیلی، جمعیت فدائیان اسلام چگونه شکل گرفت و کنش جمعی آنان چگونه صورت‌بندی شد. نواب صفوی همراه با یاران هم فکرش با مشاهده بحران‌های اشغالگری قدرت‌های جهانی شوروی و انگلستان، تکرار استبداد پهلوی اول در قامت سلطنت محمدرضا پهلوی و موج جدی ضد دین از سوی احمد کسروی، فرقه ضاله بهائیت و جریان‌های مارکسیستی نسبت به جایگاه اسلام در نظام سیاسی ایران احساس خطر کردند. نواب صفوی و یارانش، راه حل برای بحران پیش‌رو را در تشکیل جمعیت سیاسی پیشرو و انقلابی دیدند. چنین راهکاری نیازمند فرآیند بسیج‌گری یا کنش جمعی هدفمند مبتنی بر چالش‌گری رژیم پهلوی بود. به همین منظور متناسب با متغیرهای درون‌گروهی چارچوب مفهومی بسیج منابع چالز تیلی منجر به برآیند کسب «منابع هنجاری» با «بسیج تهاجمی» در قالب شکل‌دهی به جمعیت فدائیان اسلام با راهبرد سرنگونی رژیم پهلوی برآمدند و پس از آن

* استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، m.hatami@pnu.ac.ir

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران، a.r.beygi20@gmail.com

*** دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران،

M.naddaffan@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۰



با «سرکوب» تمام عیار، کنش جمعی آنان برای برپایی حکومت اسلامی از سوی رژیم پهلوی مواجه شدند.

کلیدواژه‌ها: فدائیان اسلام، محمدرضا پهلوی، حکومت اسلامی، نواب صفوی، اسپریگنز، تیلی.

۱. مقدمه

رضاخان میرپنج در پسا کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ه.ش سیدضیاء الدین طباطبایی، همکار سیاسی کودتا، را به تبعیدگاه فرستاد و سپس کابینه کودتا را تشکیل داد. او در سال ۱۳۰۴ ه.ش ابتدا با تمهیداتی فرماندهی کل قوا و با بهره‌گیری از نیروهای سیاسی حامی در مجلس شورای ملی انقراض سلطنت قاجار را اعلام کرد و سپس با تشکیل مجلس موسسان و تغییر چند اصل از قانون اساسی به مقام سلطنت نائل شد و سپس تاجگذاری کرد (مدنی، ۱۳۸۷: ۲۵۴). رضاپهلوی براساس مولفه‌های شخصیتی برای دستیابی به فردی اهداف شخصی مدنظر جامعه ایرانی، عمل‌گرا و تمامیت‌طلب بود (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۱۲۷) از همین رو برای صیانت از قدرت استیلابخش خود و مقابله جویی با مراکز قدرت رقیب، مولفه‌های نظیر ارتش نوین، پشتیبانی تمام عیار اعضای دربار و بوروکراسی آهنین دولتی را پایه‌های سلطنت‌اش قرار داد (آبراهامیان، ۱۳۸۳: ۱۶۹).

رضاشاه در سایه تمامیت‌خواهی میلیتاریستی‌اش دارای رویکردهای سرکوب‌گرایانه در قبال دین اسلام بود. او برای ایجاد قدرت مطلقه نیاز به حذف رقیبان داشت. او روحانیت شیعه را به دلیل پیوند شبکه حامیان و سرمایه اجتماعی بالا رقیب اصلی تلقی می‌کرد. از منظر او سرمایه اجتماعی رهبران دینی ماحصل تصدی‌گری آنان در برنامه‌های سستی است؛ بنابراین در تلاش برای کاهش نقش آنان در جامعه بود (کاتم، ۱۳۷۱: ۲۲۲-۲۲۱). به همین خاطر علاوه بر فرمان کشف حجاب و ممانعت از برگزاری مراسم عزاداری در ماه محرم، هجمه جدی به نهادهای دینی شیعی وارد ساخت؛ به نحوی که شاهد کاهش مدارس دینی و طلاب در ایران هستیم. در سال ۱۳۰۴ تعداد مدارس دینی ایران ۲۸۲ باب و تعداد طلاب آن ۵۹۸۴ نفر بود و پس از شانزده سال صادرات ضد دینی رضاشاه، تعداد مدارس به ۲۰۶ باب و طلاب به ۷۸۴ نفر کاهش یافت (ایوانف، ۱۳۵۶: ۸۷). این ضربات جدی به حوزه علمیه منجر به فقدان کنشگری پیشین آنان در برابر نهاد قدرت شد.

نقطه عزیمت تحولات پر چالش دهه بیست، از سحرگاه سوم شهریور ۱۳۲۰ آغاز شد. یازده روز پس از انتشار منشور آتلانتیک که براساس مفاد آن، آزادی، استقلال و حق تعیین

سرنوشت برای همه ملت‌های جهان به رسمیت شناخته بود. شوروی و انگلستان از شمال، جنوب و غرب به ایران حمله کردند. در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰، نیروهای شوروی و انگلیس از قزوین و قم به سوی تهران حرکت کردند، رضا شاه به اجبار به نفع محمدرضا ولیعهد از سلطنت استعفا داد و در حالی که محمدرضا شاه سوگند وفاداری به اصول مشروطیت را در مجلس شورای ملی یاد کرد، نیروهای شوروی و انگلیس وارد تهران شدند (مهدوی، ۱۳۸۹: ۷۷) از نظر سیاسی فروپاشی دیکتاتوری رضاشاه در نتیجه مبارزات داخلی یا مقاومت از درون نظام نبود، بلکه بر اثر دخالت عامل خارجی صورت گرفت؛ در نتیجه پس از سقوط قدرت مطلقه رضاشاه، چند قدرت کوچک‌تر وارد صحنه رقابت شدند و فضای نسبتاً باز سیاسی در ایران به وجود آمد (زیباکلام، ۱۳۸۳: ۵۶). بنابراین دهه ۲۰ ه.ش، یکی از پیچیده‌ترین مقاطع تاریخ معاصر ایران است. در این برهه زمانی نیروهای سیاسی جدید داخلی و خارجی در صحنه چالش قدرت‌یابی ظهور می‌کنند و کنشگری آنان موجب تحولات چشمگیر در ساختار قدرت شد. اولین دهه سلطنت محمدرضاشاه، با رشد فعالیت گروه‌ها و احزاب سیاسی در سایه آزادی مقطعی سیاسی موجب افزایش ضریب تضادهای قطب‌های قدرت شد. در این مقطع زمانی بحران‌های مذهبی با اقدامات ضددینی کسروی و فعالیت روزافزون فرقه بهائیت، نارضایتی عمومی را ایجاد ساخت.

در بستر این آزادی نسبی در عرصه سیاست، حوزه علمیه قم و گروه‌های اسلام‌گرا فضای جدیدی را برای حفظ، رشد و ارتقای جایگاه پس از سالیان طولانی یافتند. جمعیت فدائیان اسلام با رهبر سید مجتبی میرلوحی (۱۳۰۳-۱۳۳۴ شمسی) معروف به نواب صفوی در دهه بیست ظهور پیدا کرد. این جمعیت مذهبی-سیاسی متناسب با دال‌های گفتمان اسلام سیاسی و درک خلاء قدرت برتر در وضعیت حاکم در کشور، پیش‌تاز مبارزه مسلحانه علیه رژیم پهلوی با هدف استقرار ساختاری مبتنی بر حکومت اسلامی بودند. جمعیت فدائیان اسلام با کاربست گرایش مذهبی انقلابی و بهره‌گیری از قدرت بیان رهبر خود -نواب صفوی- و اقدامات خاص متناسب با اهداف اعلامی، در طی یک دهه فعالیت سیاسی جدی (۱۳۲۴-۱۳۳۴) تأثیر عمیقی در صحنه سیاسی و مذهبی ایران بر جای گذاشت (جعفریان، ۱۳۸۱: ۳۰۱).

در این پژوهش درصدد پاسخ به این سوال اصلی هستیم که با نواب صفوی به مثابه رهبری شیعی در سپهر سیاست کشور با مشاهده کدامین بحران‌ها مذهبی-سیاسی مواجه شد و متناسب با جامعه سیاسی مطلوب چه راهکاری را برای برون رفت از بحران ارایه می‌کند؟ و

متناسب با آن، کنش جمعی هدفمند وی در راستای گسترش جنبش‌های اجتماعی مدنظرش چگونه بوده است؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها از رهیافت ترکیبی اسپرینگر-تیلی برای درک بهتر شکل‌گیری و کنش جمعی جمعیت فدائیان اسلام علیه رژیم پهلوی استفاده کردیم.

۲. پیشینه پژوهش

جمعیت فدائیان اسلام در سه محور کانون پژوهش‌های علمی قرار گرفته است.

۱.۲ مبانی فکری

در این سنخ از پژوهش‌ها، بنیادهای اندیشگانی جمعیت فدائیان اسلام محور واکاوی قرار گرفته است. نویسندگان در این پژوهش به واکاوی اندیشه گروه فدائیان اسلام از منظر مبانی معرفت‌شناسی و انسان‌شناختی اصل‌گرایی اسلامی پرداختند (قریشی و داوودی، ۱۳۹۵). همچنین در مقاله‌ی دیگر بررسی داده‌های تاریخی کارکرد دین در اندیشه و عمل شهید نواب صفوی بررسی شده است که برآیند آن موجب تقابل با استعمار و استبداد است (تقوی و همتی، ۱۳۹۲) و سلیمانی از منظر مفهوم حکومت‌مندی فوکو به ارزیابی مفهوم تفکر انقلابی در مبانی فکری فدائیان اسلام پرداخته است (سلیمانی، ۱۳۹۶). در نهایت آثار دیگر با بررسی‌های اسنادی مبانی فکری جمعیت فدائیان اسلام بررسی شده است (امینی، ۱۳۸۱؛ خسروشاهی، ۱۳۹۵).

۲.۲ اعضاء جمعیت با محوریت جایگاه رهبری شهید نواب صفوی

در این سطح از پژوهش‌ها، وضعیت اعتقادی و سیاسی اعضای جمعیت فدائیان اسلام کانون بررسی قرار گرفته است. در پژوهشی نویسنده درصدد است که جمعیت فدائیان اسلام را از منظر بستر ظهور، تحولات و پایگاه اجتماعی مورد بررسی قرار بدهد (عباسی، ۱۳۹۰). در این سطح شهید نواب صفوی اصلی‌ترین فرد مورد بررسی است (خسروشاهی، ۱۳۸۶؛ امینی، ۱۳۸۱؛ خوش‌نیت، ۱۳۸۵؛ عزیزی نیک؛ قیصری، ۱۳۸۴؛ قائمی، ۱۳۹۰).

۳.۲ آسیب‌شناسی

در این سطح از پژوهش، کنش سیاسی جمعیت فدائیان اسلام مورد آسیب‌شناسی قرار گرفته است. ملایی توانی با رهیافت جامعه‌شناختی و تاریخی به بررسی تضادها و تعارضات موجود

واکاوی شکل‌گیری و کنش جمعی جمعیت فدائیان ... (محمدرضا حاتمی و دیگران) ۱۷۳

میان اندیشه و عمل جمعیت فدائیان اسلام پرداخته است. از منظر نویسندگان کاستی‌های نظری و معرفت‌شناختی موجب شد که این گروه سیاسی به جای نیروی مستقل و موثر مذهبی به عوامل تحت فرمان نخبگان سیاسی آن عصر تنزل یابد (ملایی توانی، ۱۳۷۸). با پیشینه مطروحه پژوهش حاضر به سبب واکاوی جمعیت فدائیان اسلام از منظر شکل‌گیری و ساختار تشکیلات معطوف به کنش جمعی با مدل تلفیقی اسپریگنز - تیلی دارای وجه نوآوری است.

۳. چهارچوب مفهومی - نظری

۱.۳ نظریه بحران توماس اسپریگنز

توماس اسپریگنز از جرگه سنت‌گرایان علم سیاست است؛ او خواهان کاریست روش‌های تاریخی، فلسفی و انسان‌شناسی در مطالعات علوم سیاسی است. توماس اسپریگنز در کتاب خویش با عنوان «فهم نظریه‌های سیاسی» با صورت‌بندی نظریه بحران روشی را برای فهم اندیشه سیاسی متأثر از رخدادهای محیطی را برای متفکران سیاسی مهیا ساخت. اسپریگنز میان ظهور و بروز بحران در محیط زیستار متفکران سیاسی با تولید اندیشه ارتباط مستقیم برقرار می‌سازد و در تبیین رابطه میان بحران و اندیشه متفکر سیاسی، عامل بحران را مولفه اساسی تولید اندیشه می‌داند (حقیقت، ۱۳۹۱: ۹۹-۱۰۰). بنابراین نظریه بحران یک نظریه زمینه‌گرایانه محسوب می‌شود. نظریه بحران اسپریگنز به مثابه یکی از مهم‌ترین روش‌های فهم اندیشه سیاسی چهار مرحله دارد؛ که هر مرحله بر مرحله قبلی بنیاد نهاده می‌شود.

مرحله اول نظریه بحران، عامل تحریک‌کننده ذهن متفکر برای یافتن پاسخی به بحران است. اکثر نظری پردازان آثار خود را زمانی نگاشته‌اند که به طور فزاینده احساس ظهور بحران در جامعه می‌کردند بنابراین اولین مسئله مشاهده و شناسایی مشکل جامعه است (اسپریگنز، ۱۳۶۵: ۴۵). توانایی مشاهده و درک شاخص‌مند از بحران شاخص تمایز اندیشمندان از سایر افراد است. در این مرحله ذهن متفکر با مشاهده بی‌نظمی و بحران به تکاپو خواهد افتاد و به سوی تشخیص علل این بحران سوق داده می‌شود. شناخت درست از شرایط حاکم بر بحران‌های زمانه متفکران، امکان تبیین بهتر اندیشه سیاسی آنان را مهیا می‌سازد.

مرحله دوم، نظریه پرداز در قامت یک پژوهش‌گر به تحلیل شرایط و بحران‌ها می‌پردازد. وی باید شک و تردید را در درون خود گسترده ساخته و به جستجوی علت اصلی مشکلات نابسامانی‌ها که اغلب نهان از دیده‌ها است، بپردازد (حقیقت و حجازی، ۱۳۸۹: ۱۸۸). او به

ناچار باید مرحله کاملاً دقیق و منحرف کننده دسته بندی روابط علت و معلولی را کنار بگذارد زیرا نظریه نظریه پرداز بدون تبیین علل واقعی بی نظمی ها نمی تواند پیشنهاد های کار سازی به منظور درمان و تسکین مشکل ارایه دهد و انشقاق مکاتب مهم اندیشه سیاسی از تفاوت این زاویه دید متأثر است (اسپریگنز، ۱۳۶۵: ۹۳).

مرحله سوم، بروز زوایای نگرشی متفکر است که بر اساس آن مشکل را فهم نموده و در این مرحله خود را در قالب نظام آرمانی مطلوب نشان می دهد. در این مرحله متفکر الگوی جامعه خوب را در ذهن خویش ترسیم می نماید و معیاری از آن به دست داده و به این ترتیب به نظم سیاسی هنجاری شده که ترکیبی از نوآوری و اکتشاف دست می زند. هدف این مرحله، ایجاد رابطه ای بین شخص و محیط سیاسی است و موفقیت آن طرح باز سازی شده، یعنی قابلیت دوام، درجه عقلانی و حقیقی بودن آن بستگی به نتیجه ای دارد که نظریه پرداز از مرحله تشخیص علل گرفته است (حقیقت و حجازی، ۱۳۸۹: ۱۸۸). تمایز اسپریگنز با جامعه شناسان معرفت در این مرحله آشکار می شود، زیرا وی پیش زمینه های فکری متفکر را در مرحله سوم دخیل نموده و از اثر گذاری آن در مرحله اول اجتناب کرده است. مرحله چهار، ارائه راه حل برای بحران پیشرو متناسب با دستاوردهای مراحل پیشین است. این مرحله با توجه به رویکرد درمانی خود دارای سویه های تجویزی است.

۲.۳ بسیج منابع چالز تیلی

از میان نظریه پردازان بستر تحلیلی جنبش های اجتماعی، چارلز تیلی دارای جایگاه اثر گذار عمیقی در تبیین چگونگی کنش جمعی است. تحلیل کنش جمعی هدفمند به منظور درک درست تلاش های انسان برای تغییر جهان از اهمیت زیادی برخوردار است. چالز تیلی متناسب با هدف اعلامی خود خواهان ارایه نظریه ای برای توصیف و تبیین کنش های جمعی است. از منظر او رخداد های مانند شورش ها، انقلاب ها، توطئه های سیاسی و جنبش های اجتماعی که با هدف اقدام برای ایجاد تغییر یا ممانعت از آن در جامعه انسانی رخ می دهد؛ نمودی از کنش های جمعی است. او در کتاب «از بسیج تا انقلاب» طرح نظری اش درباره چگونگی شکل گیری فرایند کنش های جمعی را بیان داشت.

کنش جمعی در نظریه چالز تیلی برآیند منازعات و تعاملات رقابت آمیز گروه ها برای کسب حفظ و ارتقا قدرت است؛ این فرایند رقابت آمیز در بستر انتزاعی «جامعه سیاسی» صورت بندی می شود. در فضای تحلیلی تیلی، گروه ها در دو سطح «اعضای جامعه سیاسی» و «چالش گران»

واکاوی شکل‌گیری و کنش جمعی جمعیت فدائیان ... (محمدرضا حاتمی و دیگران) ۱۷۵

تقسیم می‌گردند. اعضای جامعه سیاسی دارای قدرت نسبتاً زیاد و دسترسی روزمره به حکومت هستند و از آن سو چالش‌گران فاقد دسترسی روزمره به حکومت و قدرت نسبتاً کمی دارند. چالش‌گران در تکاپو برای حضور در جامعه سیاسی و اقدامات مطالبه‌گرایانه برای دستیابی به خواسته‌هایشان از حکومت هستند هرچند این تلاش‌ها با مخالفت کارگزاران جامعه سیاسی رو به رو می‌شود (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۸۰-۱۷۴). مدعیان-اعم از گروه‌های عضو و چالش‌گران - برای پیشبرد خواسته‌های خود دست به ائتلاف با سایر گروه‌ها می‌زنند و سعی می‌کنند تا عمل جمعی خود را با سایر متحدین بالقوه هماهنگ سازند (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۳-۸۱). حکومت متناسب با انحصارخواهی منابع اجبار و هنجار، مانع از حضور چالش‌گران به جامعه سیاسی شود و یا دسترسی اعضای جامعه سیاسی را تسهیل کند؛ به همین خاطر مشارکت‌کنندگان، پیوسته منابع جمعی خود را برای ورود به جامعه سیاسی یا ماندن در آن بسیج می‌کنند (سیمتی، ۱۳۷۵: ۱۴۱)

سازمان، منافع، بسیج و کنش جمعی مولفه‌های اصلی الگوی چگونگی مبارزه سیاسی در نظریه چارلز تیلی است. سازمان متناسب با وضعیت حاکم، کارویژه‌های منحصر به فرد مانند جذب و آموزش افراد، ارتباط و انسجام بخشی به افراد و ترغیب افکار عمومی متناسب با اهداف سازمان را برعهده دارد. سازمان‌ها متناسب با خاستگاه پیدایش به سازمان‌های قدیمی و جدید تقسیم‌بندی می‌شوند. سازمان‌های قدیمی خاستگاه تاریخی در ساخت جامعه دارند و کارکرد آنان متعلق به دوره خاصی از روند انقلاب نیست ولی در شرایط انقلابی، افراد خواهان تغییرات ساختاری و سریع از آن بهره می‌جویند. سازمان‌های جدید مختص نیل به اهداف انقلاب ایجاد می‌گردد و سابقه پیشینی ندارد (غفاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۶۵) در این منازعه تمام عیار میان چالش‌گران و مدعیان، گروهی که توانایی بیشتر برای بسیج منابع داراست، دست برتر را دارد. میزان سازمان‌دهی طرفین مهم‌ترین مولفه موثر بر بسیج منابع است.

۱.۲.۳ مولفه‌های درونی و برون گروهی الگوی بسیج

۱.۱.۲.۳ بخش اول: مولفه‌های درون گروهی

مرحله اول در الگوی بسیج دارای مولفه‌های منافع، سازمان و بسیج و این مولفه‌ها عناصر درون‌گروهی موثر بر کنش جمعی است.

۱.۱.۱.۲.۳ سازمان و منافع

در مدل تیلی سازمان در تکاپو برای هماهنگی در پیگیری منافع و اهداف گروه با ایجاد هویت مشترک و همبستگی در میان اعضای آن است. تیلی بهترین وضعیت سازمان را ترکیبی از دسته‌ای بودن و شبکه‌ای بودن می‌داند و با گرتة برداری از اصطلاح هریسون وایت، آن را سازمان «شبکه‌ای دسته‌ای» می‌نامد (تیلی، ۱۳۸۵: ۹۵). برای ایجاد یک سازمان پویای سیاسی باید تمام یا بخشی از اعضای آن، از منافع سازمان آگاهی یابند، این آگاهی موجب شکل دهی شبکه‌ای از روابط خواهد شد. ضریب توان بسیج سازمان تابع اندازه و کیفیت آن است. هرچقدر سازمان کیفی‌تر و از لحاظ جغرافیایی گسترده باشد، توان بسیج کنندگی آن ارتقا می‌یابد (پناهی، ۱۳۸۹: ۳۴۰-۴۲).

۲.۱.۱.۲.۳ بسیج منابع

هرگونه کوشش گروه‌های مدعی برای کسب و دستیابی به هر نوع منبع برای عمل جمعی خود را بسیج منابع می‌گویند.

۱. انواع منابع

۱.۱ منابع اجبار آمیز: منابعی که ابزار تنبیه دیگران و محدودسازی آنان است مانند نیروهای مسلح و فن آوری‌های کنترل کننده

۲.۱ منابع فایده مند: منابعی که انسان‌ها دستیابی به آنان را حق خود می‌دانند مانند پول، کالا و خدمات اطلاع رسانی

۳.۱ منابع هنجاری: تعهدات اعضا در قبال آرمان و اعضای گروه را که شامل وفاداری و تکالیف است (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۰۵).

۲. انواع بسیج

تلاش همه جانبه گروه‌ها و سازمان برای دستیابی هرچه بیشتر منابع را فرآیند بسیج منابع می‌نامند. از منظر چالز تیلی انواع بسیج عبارتند از:

۱.۲ بسیج تدافعی: در مقطع زمانی که کیان گروه از خارج تهدید شود؛ اعضای گروه متناسب با تهدید برای حفظ منافع، منابع خود را برای جنگ با دشمن گردهم می‌آورد.

واکاوی شکل‌گیری و کنش جمعی جمعیت فدائیان ... (محمدرضا حاتمی و دیگران) ۱۷۷

برای نمونه شورش‌ها برای منابع غذایی و مالی، تهاجم به کشتزارها و مقاومت در برابر لوایح قانونی

۲.۲ بسیج تهاجمی: تلاش سازمان نسبت به تجميع منابع برای کسب منافع جدید متناسب با فرصت پیشرو است. برای نمونه کامیابی موسسه کاتولیک مذهب اوکانل در ارتقای حقوق پیروانش در انگلستان

۳.۲ بسیج تدارکاتی: سازمان با پیش‌بینی فرصت‌ها و تهدیدهای آینده به انباشت و ذخیره‌سازی منابع می‌پردازد. برای نمونه ایجاد صندوق پول در اتحادیه‌های کارگری برای ایام سخت مانند دوران اعتصاب یا بیکاری و... (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۱۱-۱۱۳)

۳.۱.۱.۲.۳ کنش جمعی

قدرت گروه برای کنش جمعی وابسته به ضریب میزان و مقدار منابع بسیج شده است. میزان کنش جمعی تابعی است از:

۱. منافع مشترک؛ برآیند مثبت یا منفی حاصل از تعامل با دیگر گروه‌ها
۲. شدت و قوت سازمان؛ میزان هویت مشترک و ساختار وحدت‌بخش در میان اعضای گروه
۳. بسیج منابع؛ منابع تحت اختیار گروه (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۲۸).

۲.۱.۲.۳ بخش دوم؛ مولفه‌های برون‌گروهی

تکاپوی سازمان برای بسیج منابع و کنش جمعی ظرفیت درون‌گروهی برای اقدام متناسب با اهداف را تبیین می‌کند. بخش اول در مدل بسیج تیلی منجر به کنش انقلابی نخواهد شد. در بخش دوم این الگوی نظری متناسب با انگیزه‌ها و فرصت‌ها عناصر برون‌گروهی موثر بر کنش جمعی که شامل سرکوب-تسهیل، قدرت و فرصت-تهدید نقش‌آفرینی می‌کنند.

۱.۲.۱.۲.۳ سرکوب و تسهیل

سرکوب به منزله هرگونه کنشی توسط گروه دیگر است که هزینه کنش جمعی مدعی را افزایش می‌دهد و از آن سو اگر کنشی هزینه کنش جمعی یک گروه را کاهش دهد؛ شاهد تسهیل هستیم. هر سازمان یا گروه در تکاپو برای کنش جمعی با سرکوب یا تسهیل سازمان یا

گروه‌های دیگر مدعی مواجهه می‌شود. اگر سازمان یا گروه مقابل دولت باشد، پسوند سیاسی به سرکوب یا تسهیل افزوده می‌شود. ممنوعیت تجمعات، دستگیران رهبران نمونه‌ی از سرکوب و قانونی کردن عضویت و تامین هزینه‌های جاری در سازمان و ممانعت از اقدامات تخریبی علیه آن نمونه‌های تسهیل است (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۵۰-۱۴۹).

۲.۲.۱.۲.۳ قدرت

در مقطعی که احزاب دارای منافع مشخص در تعامل با یکدیگر دچار تعارض می‌گردند؛ قدرت هر حزب عبارت است از میزان غلبه یافتن منافع آن حزب بر دیگر احزابی که با آنها تعارض دارد (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۷۱). در این فضای تحلیلی حکومت مهم‌ترین ابزار تمرکز یافته اجبار را در جمعیت تعریف شده در اختیار دارد و همچنین جامعه سیاسی مشخص ساختن مدعیانی است که دسترسی روزمره به حکومت دارند. با ترسیم چنین چارچوب معنایی در بخش دوم مدل بسیج شاهد پیوند آن با جامعه سیاسی هستیم (همان: ۱۷۴).

۳.۲.۱.۲.۳ فرصت و تهدید

در شرایطی که منافع گروه مدعی قدرت مفروض، در عین وجود منافع متعارض با آن تحقق یابد، فرصت نامیده می‌شود. در این بستر معنایی تهدید به مثابه وضعیتی که امکان تحقق منافع گروه مدعی قدرت مفروض با وجود منافع گروه‌های رقیب کاهش می‌یابد (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۹۶).

۴. تبیین چگونگی شکل‌گیری گفتمان فکری جمعیت فدائیان اسلام براساس نظریه اسپرینگز

۱.۴ مشاهده و شناسایی مشکلات جامعه

نواب صفوی با کاربست هویت دینی - ملی به مشاهده و شناسایی بحران‌های جامعه ایرانی پرداخت و این بحران‌های فزاینده را در سه سطح صورت بندی می‌کند.

۱.۱.۴ استعمارگری شوروی و انگلیس

متفقین برای صیانت از تاسیسات نفتی ایران در برابر همسوی احتمالی حکومت آلمان با رضاشاه و گشودن کانال جدید کمک‌رسانی به شوروی در برابر تهاجم همه جانبه آلمان، در شهریور ۱۳۲۰، ایران را اشغال کردند (آبراهامیان، ۱۳۸۷: ۲۰۱). این اشغال آثار سیاسی-اقتصادی گسترده‌ای بر پیکره نحیف جامعه ایرانی ایجاد کرد. رضاشاه با عاملیت اشغالگران روس و انگلیس از سلطنت خلع شد و فرزند ۲۲ ساله وی بر سریر قدرت نشست (روبین، ۱۳۶۳: ۲۳). به دنبال این اشغالگری و استفاده از تمام ظرفیت‌های کشور برای پیشبرد اهداف متفقین، دولت در تامین نیازهای حیاتی جامعه ناتوان بود و سرانجام قحطی تمام عیاری در کشور رخ داد و منجر به مرگ میلیون‌ها نفر شد (امینی، ۱۳۸۱: ۷۷-۷۶). از سوی دیگر استعمارگران بر صنعت نفت به عنوان نبض اقتصادی کشور استیلا داشتند. این وضعیت حاکم بر کشور از منظر تفکر اسلامی به منزله عدم اجرای قاعده فقهی نفی سبیل در جامعه اسلامی صورت بود.

۲.۱.۴ استبداد پهلوی دوم

نواب صفوی حضور محمدرضا شاه جوان را بر سریر قدرت از زاویه تکرار حکمرانی پهلوی اول می‌نگریست؛ او معتقد بود که استبداد پهلوی دوم بحران پسینی جامعه شیعی ایران است. محمدرضا شاه از دوران نوجوانی تحت فضای تربیتی-آموزشی بنیادهای زندگی غربی قرار گرفته بود اما به روایت خودش، نفوذ شخصیتی رضاشاه را متقدم بر آنچه برآیند ماحصل محیط دموکراتیک غرب بر سلوک فکری و رفتاری‌اش می‌دانست (پهلوی، ۱۳۵۰: ۶) هرچند در دهه بیست شاهد کاهش نسبی قدرت سلطنت و دربار به صورت مظهر حکومت مطلقه بودیم (ازغندی، ۱۳۹۲: ۲۳۱) اما محمدرضا شاه در فرصت‌های بعدی نهاد سلطنت را تحکیم بخشید و همچنان جایگاه خود را به عنوان عالی‌ترین مرجع برای اعطای حمایت، مقام و مکانیت حفظ کرد (عظیمی، ۱۳۷۲: ۱۹) و نهادهای قانونی مشارکت سیاسی و مخالفان خود را به شدت سرکوب کرد؛ بنابراین پیش‌بینی نواب صفوی پیرامون بحران آفرینی سیاست‌ورزی محمدرضا شاه به سبک اقتدارگرایانه پهلوی اول محقق گردید.

۳.۱.۴ جریان‌های ضد دین

بحران سوم ماحصل اقدامات جریان‌های ضد دین اسلام بود. این جریان دارای سه طیف فکری- مذهبی با اهداف متفاوت ولی با رویکرد یکسان ضد دینی شامل جنبش پاک دینی احمد کسروی، گروه‌های فکری-سیاسی مارکسیستی و گسترش قدرت فرقه ضاله بهائیت بود.

۱.۳.۱.۴ جنبش پاک دینی کسروی

احمد کسروی اقتضای نیازهای معنوی عصر حاضر را عاملی برای ظهور جنبشی جدید تلقی می‌کرد؛ او ابتدا جایگاه هدفمند دین به مثابه برنامه همه جانبه زندگی انسان را مورد هجمه قرار داد. از منظر او دین اصلی‌ترین عامل گسست در وحدت ملی و پناهگاه بدکاران است (کسروی، ۱۳۴۶: ۲۲۸) مفاهیم کانونی مذهب شیعه نشانه می‌گرفت. او خاتمیت دین اسلام و مفاهیمی شاخص شیعی نظیر ظهور و توسل به حضرت مهدی (عج) و شفاعت را خرافه دانست (کسروی، ۱۳۲۳: ۹). از منظر او «پاک دینی» جانشینی راستین برای «دین اسلام» و رفتارهای وی پیشگامی برای شکوفایی آدمی در عصر جدید است

۲.۳.۱.۴ جریان‌های مارکسیستی

در دوران سلطنت پهلوی اول، فعالیت جریان‌های مارکسیستی غیرقانونی بود؛ اما پس از رخداد‌های شهریور ۱۳۲۰ ه.ش با حمایت ارتش سرخ شوروی، هسته اصلی حزب توده تشکیل شد. یک سال بعد نخستین کنفرانس ایالتی خود را در تهران با اتحاد چهار طبقه کارگران، دهقانان، روشنفکران و پیشه‌وران برگزار کرد (مدنی، ۱۳۸۷: ۳۰۱) و تبلیغات وسیعی در حوزه انتشار نشریات با مضامین مارکسیستی و رد تعالیم اسلامی داشتند.

۳.۳.۱.۴ فرقه ضاله بهائیت

فرقه ضاله بهائیت با ظهور سلطنت رضاشاه در برابر فشارهای دوران سلطنت قاجاریه از تنگنای هویتی رهانیده شد. سیاست‌های دین‌زدایی و مبارزه با نهاد روحانیت شیعی پهلوی اول، منطبق با اهداف فرقه بهائیت برای تضعیف مخالفان اصلی‌اش بود و آنان همکاری‌های با حکومت در زمینه کشف حجاب انجام دادند (شهسواری، ۱۳۷۸: ۶۵-۶۱) بنابراین ایران در دوران پهلوی اول پناهگاه امن برای فعالیت‌های تبلیغاتی بهائیان بدل شد. در دهه ۲۰، در سایه

آزادی‌های نسبی سالیان ابتدایی سلطنت محمدرضا پهلوی، بهائیان فعالیت‌های تبلیغاتی خود را در مراکز مذهبی این فرقه در تهران، شیراز و دیگر شهرها شدت بخشیدند. این فرقه دوران پهلوی دوم را بستری مناسب برای کسب هویت سیاسی مستقل و نفوذ در ساختار تصمیم‌گیر آشکار مانند تصدی پست‌های کلیدی در کابینه دولت‌ها می‌دانستند. (قاضوی، ۱۳۹۳: ۱۴۴) این روند قدرت‌یابی در ساختار حاکمیتی نگرانی‌های جدی برای جامعه دینی ایران به خصوص نهاد حوزه علمیه ایجاد کرد.

با وجود سه‌گانه‌های بحران در بستر فضای سیاسی-اجتماعی دهه بیست؛ تحلیل نواب صفوی از بحران‌های مذهبی-سیاسی دهه بیست مبتنی بر استفاده از واژگان «فساد، غصب، خیانت، شهوت، فقر، فروپاشی» استوار است (فیرحی، ۱۳۹۴: ۱۴۷). بنابراین جمع بندی آنان از وضعیت حاکم نمایانگر فروپاشی همه جانبه سیاسی-اجتماعی کشور مسلمان و شیعی ایران است.

۲.۴ تشخیص علل و عوامل مشکلات جامعه

نواب صفوی منبع تمام مفاسد عمومی و مانع اصلی اصلاح‌گری در جامعه انسانی را «انحراف بشر از مسیر دین فطری اسلام و تربیت سازمانی آفرینش» (نواب صفوی، ۱۳۶۰: ۳) می‌داند و سپس با همان الگو به نگرش انتقادی جامعه بحران زده ایران می‌پردازد. او فقدان ایمان در میان سطوح مختلف مردم و عدم وجود تربیت اسلامی در حاکمیت را اساسی‌ترین ریشه بروز ناهنجاری می‌داند. نواب صفوی ریشه‌های مفاسد را در چهارده مورد جمع بندی می‌کند که عبارتند از: «۱. گسستن ریشه‌های نورانی ایمان از مسیر دین فطری اسلام ۲. اجرا نشدن احکام اسلام و قانون مجازات ۳. مفاسد فرهنگ ۴. بی‌حجابی ۵. رواج مشروبات ۶. استعمال دخانیات ۷. قماربازی ۸. وجود سینما و رمان‌ها و تصانیف شهوت انگیز ۹. نغمه‌های ناهنجار ۱۰. دروغ و چاپلوسی و مداحی‌های فضیلت کش ۱۱. فقر عمومی ۱۲. فحشا ۱۳. رشوه خواری‌های گسترده ۱۴. بی‌اعتمادی و جدایی دولت از ملت» (نواب صفوی، ۱۳۶۰: ۱۵). در مجموع نواب صفوی در روند تشخیص علل و عوامل مشکلات جامعه، همه گرفتارهای جامعه ایرانی را ناشی از فساد دولت و عدم اجرای شریعت اسلام در جامعه می‌داندست (فیرحی، ۱۳۹۴: ۱۴۹).

۳.۴ بازسازی ذهنی جامعه سیاسی مطلوب (آرمان شهر)

نواب صفوی متناسب با نگرش فقهی، تنها منبع اصیل و معتبر دستیابی به حقیقت و معرفت را در اصل شریعت می‌جست. براساس آموزه‌های شریعت اسلامی، اجرای احکام و قوانین مبتنی بر شرع، امری حتمی است. اصل اجرای شریعت محور اصلی دغدغه او بود (قریشی و داوودی زواره، ۱۳۹۵: ۲۱۸). بنابراین پایه و شالوده اصلی الگوی ذهنی‌اش را بر این اصل پایه‌ریزی کرد. نواب صفوی با کنکاش در الگوهای اعلامی متفکران سپهر سیاست کشور در قبال جامعه سیاسی مطلوب، الگوی پادشاهی و مشروطیت را تجربه ناموفق می‌دانست. او مشروعیت سلطنت پادشاه بر مردم مسلمان بدون فرمانبرداری قوانین اسلام را پذیرا نبود و این حکومت‌ورزی را غصبی می‌دانست (خوش‌نیت، ۱۳۶۰: ۲۰۷) و مشروطیت از نظر وی ابزاری از «شوره‌زار فاسدی مثل غرب» بود؛ که مخالفان خود مانند آیت الله فضل الله نوری را به شهادت رساند و عزیزترین مردان حامی خود مانند آیت الله آقا جمال اصفهانی، حاج آقا نورالله اصفهانی و سید حسن مدرس را از میان برداشت و جنایت کاری آنان آشکار شده است (جعفریان، ۱۳۸۴: ۴۲۲). بنابراین خواهان نظم سیاسی جدید با خاستگاهی در تجربه سیاسی اسلام بود.

نواب صفوی با اذعان بر خاتمیت و جامعیت برنامه سیاسی اسلام به طرح‌ریزی الگوی حکومتی بدیع بر پایه صدر اسلام و متناسب با مقتضات جامعه جدید اقدام نمود. در بازسازی ذهنی جامعه سیاسی مطلوب از منظر نواب صفوی، نظم سیاسی جدید تشکیل «حکومت صالح اسلامی» است. حکومت صالح اسلامی بر دو رکن اساسی احکام سیاسی و دولت (پادشاهی) که مجری احکام اسلامی است، استوار هست. در چنین نظم سیاسی آرمانی نهاد روحانیت با استنباط احکام شرع فتوا برای کارگزاران حکومتی می‌داد. در چنین فرض آرمان شهری، کارکرد نهاد روحانیت در نظم سیاسی برجسته می‌گردد (فیرحی، ۱۳۹۴: ۱۵۳).

۴.۴ ارائه راهکار برای برون رفت از بحران

نواب صفوی در مواجهه با بحران‌های پیشرو جامعه شیعی ایران، همه گرفتارهای جامعه را برآیند حاکمیت فاسد و عدم بستر لازم برای اجرای شریعت اسلام در جامعه می‌دانست. او برای توصیف شرایط موجود از ترجیع‌بند «حکومت خائن» ریشه‌ی «مفاسد و بدبختی ملت» استفاده می‌کرد (خسروشاهی، ۱۳۷۵: ۲۱۵). در چارچوب فکری نواب صفوی ملازمه بین خروج

واکاوی شکل‌گیری و کنش جمعی جمعیت فدائیان ... (محمدرضا حاتمی و دیگران) ۱۸۳

جامعه از بن بست فروپاشی و لزوم اجرای شریعت و پس از آن ملازمه بین اجرای شریعت و دولت؛ راه حل سیاسی را کانون تمرکز قرار گرفت و تنها راهکار برای عبور از بحران را حذف دولت فاسد و جایگزینی حکومت اسلامی به مثابه راهبرد نهایی می‌دانست (فیرحی، ۱۳۹۴: ۱۵۰-۱۴۹). نواب صفوی به شاه و دولت اعلام کرد که اگر به دستورات اصلاحی آنان که مبتنی بر کاربست شریعت اسلامی است؛ در ساختار کشور اجرا نشود و یا «کوتاهی در تسریع اجرای کامل آن‌ها» رخ بدهد؛ دست انتقام‌گر آنان به یاری خداوند؛ محمدرضا شاه و دولت حامی او را نابود خواهد کرد و آنان را رهسپار جهنم می‌کند (خسروشاهی، ۱۳۷۵: ۲۹۲). نواب صفوی برای بازسازی عینی جامعه سیاسی مطلوب و دستیابی به راهبرد نهایی، تشکیل جمعیت فدائیان اسلام را آغاز کرد. او تنها راهکار برای خروج از بحران را آگاه‌سازی عمومی با اتخاذ تاکتیک مبارزه مسلحانه برای دست‌یابی به اهداف اعلامی دانست. سرانجام با اتمام حجت، پایان فعالیت‌های فرهنگی در قبال اقدامات ضد دین احمد کسروی و فتوای آیت‌الله حسین قمی - پدر معنوی فدائیان اسلام - و علامه امینی، نواب صفوی همزمان با اجرای حکم شرع نسبت به کسروی، با صدور اعلامیه موسوم به «دین و انتقام» موجودیت «جمعیت فدائیان اسلام» را اعلام کرد.

در گزاره‌های اولیه این اعلامیه بیان شده است که «ما زنده‌ایم و خدای منتقم، بیدار. خون‌های بیچارگان از سرانگشت خودخواهان شهوتران که هر یک به نام و رنگی پشت پرده‌های سیاه و سنگرهای ظلم و خیانت و دزدی خزیده‌اند، سالیان درازی است فرو می‌ریزد و گاه دست انتقام الهی هر یک از اینان را به جای خویش می‌سپارد و دیگر یارانش عبرت نمی‌گیرند.» و نواب صفوی با کاربست فتوای پیشین مراجع نجف نسبت به مبارزه با طیف ضد دین کسروی، مبارزه سیاسی خود علیه «حکومت خائن» و عامل «ظلم و فساد» را با روش‌های انقلابی خارج از دایره اقتدار مرجعیت به خصوص در حوزه علمیه قم استمرار بخشید (فراستی، ۱۳۸۳: ۲۱۸).

۵. تبیین کنش جمعی جمعیت فدائیان اسلام با کاربست نظریه بسیج منابع چارلز تیلی

از منظر نظریه چارلز تیلی، هرگونه رفتار افراد با هدف اقدام برای ایجاد تغییر یا ممانعت از آن در جامعه انسانی نمودی از کنش‌های جمعی است. کنش جمعی در نظریه چارلز تیلی در بستر «جامعه سیاسی»، در منازعات گروه‌ها برای کسب، حفظ و ارتقا قدرت معنایی پیدا می‌کند.

نواب صفوی و همفکران مذهبی-سیاسی وی در جامعه سیاسی حاکم در دهه بیست، چالش گران رژیم پهلوی به شمار می‌رفتند. تکرار استبداد پهلوی اول در قامت سیاست ورزی محمدرضا شاه و سکوت در برابر موج همه جانبه ضد دین اسلام، علت اصلی کنشگری چالش گرایانه آنان در قبال کارگزاران جامعه سیاسی سلطنت پهلوی بود. در بستر زمانی دهه ۲۰، نواب صفوی و افراد همفکرش خواهان سازمان‌یابی برای پیشبرد اهداف شان بودند. نواب صفوی با درک درست از زمانه برای جذب و آموزش افراد، ارتباط و انسجام بخشی به افراد و ترغیب افکار عمومی؛ سازمانی با خاستگاه ترکیبی را برای پیشبرد اهداف اعلامی خود مدنظر قرار داد. نواب صفوی، حوزه علمیه و هیات مذهبی را به مثابه سازمانی قدرتمند با قدمت تاریخی که کارکرد آنان متعلق به ادوار زمانی مختلف مدنظر قرار داد. نواب صفوی، حوزه علمیه را به عنوان نهاد پیشبرنده برای تحقق حکومت دینی می‌دانست هرچند مخالفان جدی در مقابل ایده وی صف آرایی کرده بودند. از سوی دیگر نواب صفوی، افراد حامی خود با خاستگاه مذهبی را در ساحت سازمان‌دهی مدرن، در قالب «جمعیت سیاسی» برای نیل به اهداف انقلاب مدنظرش شکل دهی کرد و در راستای این تلاش‌های، جمعیت فدائیان اسلام را پایه ریزی نمود.

۱.۵ سازمان و منافع

نواب صفوی سازمان منابع جمعیت فدائیان اسلام را متناسب با بحران‌های جامعه مذهبی ایران بر دو نهاد مهم شیعی، حوزه علمیه و هیات‌های مذهبی پایه ریزی کرد. هویت مشترک دینی و تکاپو برای مبارزه با مظاهر ضد دین، پل اصلی ارتباطی جامعه هدف مدنظر با آرمان و اهداف جمعیت فدائیان اسلام بود.

پس از اجرای فتوای ارتداد خسروی موج جدید جذب منابع با بهره‌گیری تبلیغاتی از این اقدام مسلحانه در دستور کار قرار گرفت. نواب صفوی با هدف ایجاد تشکیلات سراسری علیه حاکمیت با تمرکز بر جذب و سازمان‌دهی جوانان مذهبی، سلسله سفرهای تبلیغی خود را آغاز کرد. در مرحله اول سازمان‌دهی به جمعیت فدائیان اسلام، سفر تبلیغاتی خود را از مشهد آغاز کرد و سپس به شهرهای مهم شمال کشور رفت و سرانجام با حضور در شهر کرمانشاه از مرز خسروی، ایران را به قصد نجف اشرف ترک کرد. فصل مشترک دعوت همگانی نواب صفوی و یارانش در گفت‌وگو با علما، بزرگان طوایف و مردم، حضور در یک تشکیلات دینی با راهبرد مبارزه عمومی با حکومت پهلوی به منزله ریشه تمام مشکلات جامعه ایران بود.

واکاوی شکل‌گیری و کنش جمعی جمعیت فدائیان ... (محمدرضا حاتمی و دیگران) ۱۸۵

(امینی، ۱۳۸۱: ۱۳۷) او پس از سفر تبلیغاتی حدود یک سال در نجف اشرف اقامت گزید و با بازگشت به ایران مرحله دوم سازمان دهی جمعیت را با احیا و بازسازی جمعیت فدائیان اسلام آغاز کرد (خوش‌نیت، ۱۳۶۰: ۵۲).

در تهران، پایگاه اثرگذاری بنیادهای تفکری جمعیت فدائیان اسلام در میان علوم دینی، کسبه بازار و اقشار متوسط و پایین جامعه بود. (همان، ۲۳۴-۲۴۰) اصلی‌ترین اعضا جمعیت، نوجوانان و جوانان جنوب تهران مرتبط با هیات‌های مذهبی بودند. آنان به طور عمده اهل منطقه دولا ب و فعال در هیئت‌های جعفری، قائمیه و انصار الائمه بودند (عباسی، ۱۳۸۵: ۱۵۰-۱۴۸). پس از هیات مذهبی فعال در تهران، حوزه علمیه قم مهم‌ترین سازمان بسیج نیرو برای جمعیت فدائیان اسلام برشمرده می‌شد. آنان می‌پنداشتند که حوزه علمیه قم پس از عبور از عصر عسرت پهلوی اول، مجدد به طور همه‌جانبه به مناسبات سیاست کشور باز خواهد گشت، اما به تدریج دریافتند که هنوز فضای بی‌مهری به سیاست بر حوزه علمیه استیلا دارد (فراستی، ۱۳۸۹: ۱۱۴) هرچند فدائیان اسلام در میان طلاب جوان قم صاحب نفوذ بودند و فقط در حوزه علمیه فیضیه ۶۰۰-۵۰۰ نفر حامی جدی داشتند (منتظری، ۱۳۷۹: ۷۰) اما این تعداد حامی برای اثرگذاری بر راس تصمیم‌سازی نهاد حوزه علمیه و همچنین هدف نهایی آنان، برپایی حکومت اسلامی، کافی نبود.

جنوب تهران و قم مراکز اصلی بسیج‌کنندگی جمعیت فدائیان اسلام بود. توان بسیج‌کنندگی این سازمان انقلابی متناسب با اندازه و کیفیت پایگاه اجتماعی عضوگیری، محدود و ضعیف بود. جمعیت فدائیان اسلام با فقدان توان بسیج‌کنندگی همه‌جانبه و توده وار، اتخاذ تاکتیک کنش‌های تهاجمی علیه دولتمردان را جایگزین فشار توده‌وار بر حاکمیت کرد.

۲.۵ بسیج منابع

۱.۲.۵ انواع منابع

منابع اجبارآمیز، منابع فایده‌مند و منابع هنجاری، انواع کوشش گروه‌ها برای دستیابی به منبع مدنظر خود برای عمل جمعی است. نواب صفوی و یاران همفکرش، «منابع هنجاری» را برای بسیج منابع تشکل پیش‌تاز خود برگزیدند. اعضای جمعیت فدائیان اسلام یکدیگر را برادران ایمانی خطاب می‌کردند و برآیند منشور برادری پیمانی برای استقرار حکومت اسلامی بود و هر «مسلمان صادق فدایی اسلام» امکان عضویت پیدا می‌کرد (گل محمدی، ۱۳۸۲: ۲۷). آنان

هرگونه تلاش بر تحقق این تکلیف الهی را به مثابه آرمان نهایی جمعیت فدائیان اسلام محسوب می‌کردند و اعضای برای دست یابی به آرمان معهود، جان خود را در راه اسلام فدا می‌کردند.

۲.۲.۵ انواع بسیج

از منظر چالز تیلی، بسیج تدافعی، بسیج تهاجمی و بسیج تدارکاتی، انواع فرآیند بسیج منابع در تکاپوهای گروه‌ها و سازمان‌ها محسوب می‌شوند.

جمعیت فدائیان اسلام متناسب با فضای بحرانی مذهبی-سیاسی کشور در دهه بیست و چشم انداز نهایی آنان که صدارت حکومت اسلامی بر گستره جغرافیایی ایران بود؛ تلاشی با تجميع منابع برای کسب منافع جدید، متناسب با فرصت پیشرو داشتند. گشایش سیاسی و عدم استیلای اقتدارگرایانه محمدرضا شاه جوان در هشت سال ابتدایی سلطنت، اوج گیری جریان‌های ضد دین اسلام به خصوص طیف پاک دینی احمد کسروی در جامعه ایران با ضریب حساسیت بالا در قبال مسائل دینی و ملی شدن صنعت نفت فرصت‌های جدی محسوب می‌شد. چنین رخداد‌های در قالب عوامل شتاب بخش در اختیار هسته بسیج‌گر جمعیت فدائیان اسلام قرار گرفت و فرصت مناسبی برای چالشگری با سلطنت پهلوی و گام برداشتن برای برپایی حکومت اسلامی شد. بنابراین فرآیند بسیج منابع آنان، از نوع بسیج تهاجمی بود.

۳.۵ کنش جمعی

سید مجتبی نواب صفوی با ترسیم وضعیت بحرانی حاکم در کشور برای جامعه ایران به خصوص جامعه هدف همسو برای عضوایی و بازنمایی مناسب چشم انداز رهایی‌بخش از بحران‌ها با استقرار حکومت اسلامی، تشکلی دینی-سیاسی با هویت مشترک و ضریب همگرایی سازمانی بالا بنا نهاد که در روند بسیج منابع، تمام منابع در اختیار گروه قرار می‌گرفت. وضعیت درونی مناسب جمعیت برای کنش جمعی منجر شد که گروه‌های سیاسی فعال در سپهر سیاست ایران در دهه ۲۰، در راستای تجمع منافع مشترک برای اهداف اعلامی انسداد استمرار اقتدارگرایی محمدرضاشاه، خواهان هم افزایی کارکردی بودند. بارزترین تعامل گروه‌های سیاسی با جمعیت فدائیان اسلام در رخداد قتل رزم آرا شکل گرفت. در مجموع

واکاوی شکل‌گیری و کنش جمعی جمعیت فدائیان ... (محمدرضا حاتمی و دیگران) ۱۸۷

مهم‌ترین نقش‌آفرینی سیاسی جمعیت فدائیان اسلام در راهبرد تحقق حکومت اسلامی و دستیابی ایرانیان به بیشینه منافع ملی، همراهی با آیت‌الله کاشانی در نهضت ملی شدن صنعت نفت بود (عمید زنجانی، ۱۳۶۸: ۴۱۷-۴۲۷).

۴.۵ بخش دوم؛ مولفه‌های برون‌گروهی

اقدامات تجمیعی با بیشینه تکاپوی سازمانی برای بسیج منابع که منجر به کنش جمعی می‌گردد؛ گام نهایی برای کنشگری انقلابی نیست بلکه باید مولفه‌های برون‌گروهی، که به عنوان عامل بیرونی بر عملکرد سازمان اثر می‌گذارد؛ در بررسی عملکرد گروه‌ها و سازمان‌های بسیج‌گر مورد بررسی قرار گیرد. این عاملیت بیرونی در کنش جمعی در سه سطح شامل سرکوب-تسهیل، قدرت و فرصت -تهدید نقش‌آفرینی می‌کنند.

جمعیت فدائیان اسلام متناسب با منابع هنجاری و بسیج تهاجمی در فرآیند شکل‌پذیری، کنش جمعی براندازانه در قبال رژیم پهلوی اتخاذ کرد. چالش‌گری جمعیت فدائیان اسلام در قبال کارگزاران جامعه سیاسی حاکم، با «سرکوب» همراه شد. مولفه بیرون‌گروهی سرکوب در سه سطح، متناسب با وضعیت حاکمیت و توان بسیج‌کنندگی و هماهنگی با دیگر گروه‌های سیاسی با ضریب سرکوب سیاسی متفاوت مواجه شد.

۱.۴.۵ دستگیری مقطعی

رژیم پهلوی، سرکوب به صورت «دستگیری مقطعی» اعضای جمعیت فدائیان اسلام را در دو مقطع زمانی اجرا کرد. برادران امامی از اعضای برجسته جمعیت فدائیان اسلام پس از اجرای حکم شرعی احمد کسروی به دستگیری شدند. نواب صفوی با رایزنی‌های مختلف با بزرگان حوزه علمیه و فشار افکار عمومی، آنان را بعد از سه ماه حضور در زندان، آزاد کرد. رخداد بعدی از ضریب اهمیت بیشتری برخوردار بود. در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹، خلیل طهماسبی، از اعضای حلقه اول مرکزیت جمعیت فدائیان اسلام، سپهبد رزم آرا نخست وزیر وقت به تعبیر آنان «دست‌نشانده‌ی انگلیس» را با شلیک متعدد گلوله کشت. این کنش تهاجمی به نفر دوم رژیم پهلوی، محصول جلسه مشترک اعضای جبهه ملی با فدائیان اسلام بود؛ نواب صفوی با شرط اجرای احکام اسلام پس از پایان نقش‌آفرینی رزم‌آرا در سیاست کشور، این عملیات را پذیرفت (سحابی، ۱۳۸۶: ۹۹). نواب صفوی پس از دستگیری خلیل طهماسبی، در اعلامیه شدیداللحن

از «پسر پهلوی و گردانندگان جنایتکار حکومت غاصب» خواست که او را ظرف سه روز آزاد کنند (ایمن آبادی، ۱۳۸۲: ۱۶۶). سرانجام با همسوی نمایندگان جبهه ملی و حامیان آیت الله کاشانی در مجلس شانزدهم، در ماده واحده‌ی به قید سه فوریت، خلیل طهماسبی پس از چند ماه زندان، عفو شد.

۲.۴.۵ اعدام موردی

عبدالحسین هژبر از سیاستمداران بسیار نزدیک و مورد اعتماد خاندان پهلوی بود. او سرمایه شخصی رضاشاه در بانک‌های خارج از کشور را اطلاع داشت در حالی که خاندان سلطنتی از این انباشت ثروت ناآگاه بودند (بهنود، ۱۳۸۲: ۵۴۴-۵۴۳). هژبر مسئولیت پروژه آغاز اقتدارطلبی تمام عیار پهلوی دوم را برعهده داشت. او پس از ناکامی در کسوت نخست وزیر، در قالب کارویژه وزیر دربار، خواهان تقلب در انتخابات مجلس شورای ملی شانزدهم و تغییر ترکیب سیاسی آن نسبت به مجلس پیشین با افزایش نمایندگان حامی شاه و دربار بود.

سید حسین امامی در ۱۳ آبان ۱۳۲۸ عبدالحسین هژبر وزیر دربار را به دلیل خیانت به ملت به قتل رساند. پس از چهار روز، رژیم پهلوی در دادگاهی فرمایشی، حکم اعدام سید حسین امامی را صادر و اجرا نمود. با وجود حمایت صریح جمعیت فدائیان اسلام از به قتل رساندن وزیر دربار، برای سید مجتبی نواب صفوی و سید عبدالحسین واحدی و اعضای دیگر این جمعیت به دلیل عدم شرکت یا معاونت در عملیات مسلحانه قرار منع پیگرد صادر شد (خوش نیت، ۱۳۶۰: ۴۴). این اقدام حکومت پهلوی به منزله آغاز گام اولیه برای سرکوب جدی جمعیت فدائیان اسلام در صحنه سیاست کشور بود.

۳.۴.۵ اعدام دسته جمعی

فدائیان اسلام، حسین علاء را مهره اصلی استعمار در حکومت پهلوی دوم می دانستند. حسین علاء با تنش زدایی در روابط با شوروی و تکاپوی حضور در پیمان بغداد بستر اقتدارگرایی همگرا با قدرت‌های جهان را برای محمدرضاشاه فراهم می ساخت. مظفرعلی ذوالقدر از اعضای جمعیت فدائیان اسلام، او را مورد هدف گلوله قرار داد و آغازگر سرکوب تمام عیار جامعه سیاسی حاکم در قبال چالش‌گری جریان اسلام‌گرا شد. سرانجام اعضای اصلی

واکاوی شکل‌گیری و کنش جمعی جمعیت فدائیان ... (محمدرضا حاتمی و دیگران) ۱۸۹

و برجسته جمعیت فدائیان اسلام، پس از ده سال مبارزه با حکومت پهلوی در ۲۷ دی ۱۳۳۴ به شهادت رسیدند.

۶. نتیجه‌گیری

سید مجتبی نواب صفوی، با مشاهده وجود بحران‌های عمیق دینی-سیاسی در جامعه ایران، خواهان مبارزه با تمام اشکال بی‌دینی در سطح جامعه و حاکمیت برآمد. او در حرکت اعتراضی خود، خواهان تغییرات بنیادین در ساختار سیاسی-اجتماعی جامعه بود و سکوت حوزه علمیه را به ضرر اسلام می‌دانستند (فراتی، ۱۳۸۵: ۳۷) به همین خاطر در بسترسازی یک کنش جمعی همه‌جانبه در قالب جنبشی اسلام خواه، حل بحران‌های موجود را در استقرار حکومت اسلامی می‌دید.

آنان هر مسلمان صادق فدایی اسلام را در جوامع هدف خود جذب کردند و متناسب با منابع هنجاری حاکم در تشکیلات، به بسیج تهاجمی اقدام نمودند، حاصل کنش جمعی آنان ترغیب حوزه علمیه و بزرگان آن به مثابه اصلی‌ترین نهاد توسعه بخش دینی در کشور و جامعه مومنین برای کنش همه جانبه دستیابی به حکومت اسلامی در دوره غیبت امام زمان (عج)، تسریع جدی در روند ملی‌سازی صنعت نفت ایران و تضعیف پایه‌های اقتدارطلبی محمدرضا پهلوی شد. محمدرضا پهلوی، هرگونه حرکت اعتراضی و براندازانه را با سلسله روند سرکوب تمام عیار پاسخ داد و همه اعضای برجسته جمعیت فدائیان اسلام را به شهادت رساند. بدون تردید جمعیت فدائیان اسلام در اندیشه‌ی سیاسی، عمل و مبارزه نقشی ویژه و ممتاز را در مقطع تاریخ ۱۳۲۴-۱۳۳۴ به مدت یک دهه ایفا کردند. کنش جمعی جمعیت فدائیان اسلام به عنوان گروه پیش‌تاز با خاستگاهی حوزوی که حکومت اسلامی را خواهان بودند هرچند با شکست مواجه شد ولی الگوی الهام بخش جریان اسلام‌گرا در حوزه علمیه قم برای براندازی حکومت پهلوی قرار گرفت.

کتاب‌نامه

ازغندی، سید علیرضا (۱۳۹۲)، تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران (۱۳۲۰-۱۳۵۷)، چاپ هشتم، تهران: سمت

اسپریگنز، توماس (۱۳۶۵)، فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: آگاه، چاپ دوم.

۱۹۰ جستارهای سیاسی معاصر، سال ۱۴، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲

امینی، داوود (۱۳۸۱)، جمعیت فدائیان اسلام و نقش آنان در تحولات سیاسی-اجتماعی ایران، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

امینی، علیرضا (۱۳۸۱)، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوران پهلوی، تهران: صدای معاصر.

ایمن آبادی، ساسان (۱۳۸۲)، از ترور شاه تا ترور رزم آرا، تهران: انتشارات خجسته.

ایوانف، م.س (۱۳۵۶)، تاریخ نوین ایران، ترجمه هوشنگ تیزابی و حسن قائم پناه، بی نا، بی جا.

آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۷)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.

بهنود، مسعود (۱۳۸۲)، کشتگان بر سر قدرت، چاپ سوم، تهران: نشر علم.

پناهی، محمد حسین (۱۳۸۹)، نظریه‌های انقلاب؛ وقوع، فرآیند و پیامدها، تهران: سمت.

پهلوی، محمدرضا (۱۳۵۰)، ماموریت برای وطن، تهران: بی جا

تقوی، محمدعلی؛ همتی، محمدعلی (۱۳۹۲). «بررسی کارکرد دین در اندیشه و عمل نواب صفوی»،

فصل‌نامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال ۲، شماره ۷، صفحات ۱۰۲-۸۵

تیلی، چارلز (۱۳۸۵)، انقلاب و بسیج سیاسی، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

جعفریان، رسول (۱۳۸۴)، رسائل سیاسی- اسلامی دوره پهلوی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

حقیقت، سید صادق (۱۳۹۱)، روش‌شناسی علوم سیاسی، قم: دانشگاه مفید، چاپ سوم.

حقیقت، سید صادق؛ حجازی، سید حامد (۱۳۸۹)، نقد و معرفی: نگاهی انتقادی به کاربرد نظریه بحران

اسپرینگر در مطالعات سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع)، شماره ۴۹.

خسروشاهی، سید هادی خسروشاهی (۱۳۷۵)، فدائیان اسلام: تاریخ، عملکرد، اندیشه، تهران: انتشارات اطلاعات.

خوش‌نیت، حسین (۱۳۶۰)، سید مجتبی نواب صفوی، اندیشه، مبارزات، شهادت او، بی نا

روبین، باری (۱۳۶۳)، جنگ قدرت‌ها در ایران، تهران: انتشارات آشتیانی.

زیباکلام، صادق (۱۳۸۳)، تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ۱۳۲۰-۱۳۲۲، چاپ اول، تهران: سمت.

سحابی، عزت‌الله (۱۳۸۶)، نیم قرن خاطره و تجربه، تهران: نشر فرهنگ صبا.

سلیمانی، رضا (۱۳۹۶). «تحلیلی تطبیقی بر تفکر انقلابی امام خمینی (ره)، آیت‌الله خالصی‌زاده و جریان

فداییان اسلام»، فصل‌نامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال هفتم، شماره ۲۲،

صفحات ۱۴۲-۱۲۳.

سمتی، محمد هادی (۱۳۷۵)، «نظریه بسیج منابع و انقلاب اسلامی ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳۵.

واکاوی شکل‌گیری و کنش جمعی جمعیت فدائیان ... (محمدرضا حاتمی و دیگران) ۱۹۱

شهسواری، ثریا (۱۳۷۸)، اسناد فعالیت بهائیان در دوره ی محمدرضا شاه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

عباسی، ابراهیم (۱۳۸۵)، «پایگاه اجتماعی جمعیت فدائیان اسلام» در: نیکبخت، مجموعه مقالات همایش بزرگداشت، پنجاهمین سالگرد شهادت نواب صفوی و فدائیان اسلام، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

عباسی، ابراهیم (۱۳۹۰)، «چیستی سنت فکری رادیکالیسم اسلامی در ایران- بررسی موردی: جمعیت فدائیان اسلام»، فصل‌نامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۴، صفحات ۱۷۴-۱۰۰.

عزیزی نیک، نادره (۱۳۹۱)، جوان‌ترین رهبر، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

عظیمی، فخرالدین (۱۳۷۲)، بحران دموکراسی در ایران؛ ۱۳۲۰-۱۳۳۲، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، تهران: البرز

عمید زنجان، عباسعلی (۱۳۶۸)، انقلاب اسلامی و ریشه های آن، چاپ دوم، تهران: نشر کتاب سیاسی.

غفاری هنجین، زاهد؛ مرشدی زاد، علی؛ خدادادی، هانیه (۱۳۹۱)، نقش هیئت های مذهبی شهر تهران در فرآیند پیروزی انقلاب اسلامی، دانش سیاسی، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، شماره ۱۶، صفحات ۸۲-۶۳

غلامی مقدم، فاطمه (۱۳۸۳)، «اندیشه سیاسی فدائیان اسلام»، فصلنامه تاریخ پژوهی، شماره ۱۸، صفحات ۱۲۶-۱۰۴.

فراستی، عبدالوهاب (۱۳۸۳)، رادیکالیسم اسلامی در ایران معاصر: شهید نواب صفوی و جمعیت فدائیان اسلام، پانزده خرداد، زمستان ۱۳۸۳، شماره ۲، صفحات ۲۴۲-۲۰۷

فراستی، عبدالوهاب (۱۳۸۵)، گونه شناسی فکری-سیاسی حوزه علمیه قم، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

فراستی، عبدالوهاب (۱۳۸۹)، روحانیت و تجدد؛ با تاکید بر جریان‌های فکری-سیاسی حوزه علمیه قم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

فیرحی، داوود (۱۳۹۴)، فقه و سیاست در ایران معاصر، چاپ دوم، تهران: نشرنی.

قاضوی، سید حسن (۱۳۹۳)، بهائیت دست پرورده و عامل استکبار از منظر انقلاب اسلامی، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۱۱، صفحات ۱۵۸-۱۳۱

قائمی، پروین (۱۳۹۰)، نواب: اسطوره‌ی مهر، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

قریشی، فردین و داوودی زواره، هادی (۱۳۹۵)، مبانی فکری اصل‌گرایان اسلامی ایران معاصر، مطالعه موردی: جمعیت فدائیان اسلام، فصلنامه سیاست، بهار ۱۳۹۵، دوره چهل و ششم، شماره ۱، صفحات ۲۲۸-۲۱۱

قیصری، مهدی (۱۳۸۴)، رهبری به نام نواب، جوان‌ترین رهبر، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۹۲ جستارهای سیاسی معاصر، سال ۱۴، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲

- کاتم، ریچارد (۱۳۷۱)، ناسیونالیسم در ایران، ترجمه فرشته سرلک، تهران: گفتار.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۹۰)، اقتصاد سیاسی ایران (از مشروطیت تا پایان سلسله سیاسی پهلوی)، ترجمه محمدرضا نفیسی، کامبیز عزیزی، چاپ ۱۷، تهران: نشر مرکز
- کسروی، احمد (۱۳۳۳)، دادگاه، بی جا: بی نا.
- کسروی، احمد (۱۳۴۶)، تاریخ و درس هایش، بی جا: بی نا.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۲)، جمعیت فدائیان اسلام به روایت اسناد، جلد دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- مدنی، سیدجلال الدین (۱۳۸۷)، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد اول، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: قم
- ملایی توانی، علیرضا (۱۳۷۸). «آسیب شناسی یک جنبش: تاملی در اندیشه و عمل جمعیت فداییان اسلام»، پژوهشنامه متین، شماره ۵-۶، صفحات ۲۸۷-۳۱۸.
- منتظری، حسین علی (۱۳۷۹)، فقیه عالقدر، بی جا
- مهدوی، عبدالرضا هوشنگ (۱۳۸۹)، سیاست خارجی ایران در دوران پهلوی ۱۳۵۷-۱۳۰۰، چاپ هشتم، تهران: نشر پیکان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی